

قافله سالاران فرهنگ افغانستان

وقتی که سخن از زبان و فرهنگ افغانستان در میان باشد، خود بخود نام عبدالله افغانی نویسنده و کارنامه ای سترگ او مطرح میگردد. این بزرگ مرد، کی بود؟ و چی خدمت مبتکرانه ای به ادب و فرهنگ ما انجام داد؟ اگر آثار ماندگار این استاد ادب دری و پشتو نمی بود، ما مجبور می بودیم تا دریافت معانی کلمات را، تنها به کمک لغت نامه ها و قاموس نامه های دیگران دریابیم. یاد آوری از چنین شخصیت ها در واقع پاسداری از فرهنگ ملی ماست.

افغانی نویسنده و ابتکار بی سابقه او:

پیش از آنکه یادآوری از آثار او شود، بانیست در آغاز خود او را به معرفی گرفت تا به دانش، پیگیری او در عرصه ای تحقیقات ادبی و احساس وطن دوستی او آشنا شد. افغانی نویسنده در سالهای آغازین قرن بیستم درگذر اچکزایی های شهر کابل متولد شد. پدرش ملامحمد، معروف به عرض بیگی، از نویسندگان مشهور در دربار امیر عبدالرحمان خان بود و سپس در دربار امیر حبیب الله خان سمت ریاست دفتر او را به عهده داشت.

پدر افغانی نویسنده از باشندگان ولایت لغمان و مادرش مسکونه کابل بود. همین ترکیب زمینه ای آنرا فراهم ساخته بود تا وی گویش، خواند و نوشت هر دو لسان پشتو و دری را از آوان طفولیت در نزد پدر و مادر خود فرا بگیرد. سپس علوم متداول را از علما و فضلالی روزگار خود، بخصوص دوستان پدرش فراگرفت. تا آنکه برای ایفای شغل نویسندگی آماده شده و در عهد پر افتخار سلطنت غازی امان الله خان شروع به کار کرد.

افغانی نویسنده، انسان منور بود و احساس عمیق وطن دوستی داشت. افکار او در تحت تأثیر جنبش عصر امانی و مشروطه خواهی قویا^۱ نضج یافته بود. به خاطر موضعگیری های خردمندانانه و علاقه او به مردم بود که سردارمحمد هاشم خان صدراعظم او را منحصی همکار خود در دفاتر صدارت تحمل نتوانسته و به زندان انداخت. بازداشت او در زندان، معرفت و روابط او را با زندانیان مشروطه خواه بیشتر ساخت. افغانی نویسنده از مشروطه خواهان و سایر زندانیان چیز های زیادی آموخت که نه تنها در صحبت هایش، بلکه در آثارش همیشه بازتاب میافت. همین شخصیت ها به استقبال از کتب ماندگار او تفریط ها و نوشته های دارند که برخی آن از جانب حکومت های وقت حوصله شده و متباقی طی یک سانسور قبل از چاپ در مطبوعه ای دولتی کابل از نشر باز ماند^۱. تقریط های منتشر شده نه تنها کارکرد های مؤلف را به بررسی گرفته اند، بلکه توجه خوانندگان را به شخصیت برجسته ای او نیز جلب مینمایند.

افغانی نویسنده مؤجز، پر محتوی و عام فهم صحبت میکرد. از لغت پرانی و فضل فروشی نفرت داشت. خاطرات دلخراش و شادی آفرین را که از برخورد رژیم های افغانستان در برابر مردم ناشی میشد، بدون هراس و بطور آموزنده بیان میداشت^۲. او اسناد و یادداشت های خود را در یک آرشیف منظم نگهداری میکرد. ازین آرشیف شماری از نویسندگان بهره برده اند. برخی از آنها در آثارخویش منحصی مأخذ، خاطر شان ساخته اند که سند مربوط به موضوع یاد شده در آرشیف شخصی محترم عبدالله افغانی نویسنده وجود دارد.

افغانی نویسنده انسان پویا و کوشا بود. حتی در سالهای اخیر عمر که توانمندی جسمی او تقلیل میافت، میخواست تحقیقات وسیع، همه جانبه و ارزشمند خود را پیرامون " سربرآورده های افغان " تکمیل و به دست نشر بسپارد. با چنین یک اثر، او میخواست تا شخصیت های افغان را که در عرصه های مختلف سربرآورده بودند، به معرفی بگیرد. یادداشت های او هیچ عرصه را از نظر نیانداخته و شامل بخشهای مذهبی، سیاسی، اقتصادی، اداری، نظامی، هنری، سپورتنی، ادبی و اجتماعی میشد. یادداشت ها و اوراق جمع کرده ای او درین راستا به هزارها صفحه میرسید. ولی زندگی وفا نکرد تا افغانی نویسنده به جمع بندی و نشر این اثر سودمند نایل آید.

آثار منتشر شده افغانی نویسنده:

قاموس پشتو:

^۱ - پیشگفتار ناشر: لغات عامیانه فارسی - افغانی نویسنده، چاپ دوم، مؤسسه ای تحقیقات و انتشارات بلخ، ۱۳۶۹
^۲ - نگارنده در آوان جوانی، از صحبت های پر محتوی جناب افغانی نویسنده، معلومات فراوانی پیرامون تاریخ نوشته نشده ای قرن گذشته افغانستان شنیده است که درین اواخر بعضی از آگاهان آنرا قلمی میسازند. افغانی نویسنده دوست نزدیک پدرم (میر عزیزالله سادات) بود و در نزدیکی منزل ما اقامت داشت.

لغات هر زبان، پایه و اساس همان زبان را میسازد. درک دقیق لغات، استعمال بجا و مناسب آن موجب می شود که خواننده و یا شنونده، مطلب را با همان زیبایی و زیرکی آن بفهمد. اکثر لغات چندین معنی دارند و بنابر موارد استعمال، معانی بی از هم متفاوت را ارائه میدارند.

قبل از آنکه افغانی نویسنده قاموس پشتو- فارسی را تدوین کند، هیچگاه در کشور ما، لغات پشتو و معانی آن به زبان دری ترجمه نشده و بطور یک قاموس تنظیم و ترتیب نگردیده بود. این کمبود، توجه افغانی نویسنده را بخود جلب کرد و بنابر انگیزه مردم دوستی و عشق او به فرهنگ مردمش دست به کار شد تا این خلای بزرگ فرهنگی از میان برداشته شود. چون درین زمینه کار قبلی وجود نداشت، بناءً جمع آوری و تنظیم آن هم کار آسان نبود و سالهای زیاد عمر او بخاطر جمع آوری و ردیف بندی کلمات سپری شد. آنچه که بنام «قاموس پشتو» شهرت یافته است، تنها لغت نامه ای پشتو نیست. بلکه این قاموس در عین وقت، ارائه کننده «لغات دری به پشتو» نیز میباشد. به عباره دیگر این اثر لغت نامه ای هر دو لسان در یک مجلد است.

آماده سازی این اثر در حقیقت نه تنها خدمت بزرگی بخاطر شناسائی پشتو زبان ها از ادب دری است، بلکه دری زبان ها را به شناخت معانی کلمات پشتو و فراگیری دقیق زبان پشتو قادر میسازد. بناءً نامگذاری این اثر بی نهایت مفید بنام قاموس پشتو نمی تواند، بازگو کننده محتویات نوجوانب آن باشد. لذا بهتر می بود اگر این اثر بنام قاموس پشتو- فارسی مسماء میشد. اینکه این قاموس در جهت ارتقای سوبه ای دانش و عرفان گویندگان هر دو لسان خدمت نموده است، جای هیچگونه شک و تردید نیست. اما اینکه به ابتکار تدوین کننده ای آن در آن عصر و زمان کم بها داده شود، چیزی جز بی خبری و یا نادیده گیری از تاریخ معاصر ادبی ما نمی باشد.

زحماتی که افغانی نویسنده بخاطر تهیه و تنظیم این قاموس شخصاً متحمل شده است، بانیست دولت همانوقت منعیث حامی و راهگشای فرهنگ افغانستان انجام میداد. باید دولت گروهی از محققین را توظیف میکرد تا این وظیفه ملی را به اسرع وقت به سر میرساندند. ولی متأسفانه زمامداران آن زمان به چنین نیاز های فرهنگی وقعه نمیگذاشتند. سالها بعد وقتی که این اثر تکمیل شد، اداره «د پشتو تولنه» مصارف چاپ آنرا به عهده گرفت. این اثر در سه جلد آماده شده بود که جلد اول آن بسال ۱۳۳۵ و جلد دوم و سوم بسال ۱۳۳۶ در مطبعه دولتی به طبع رسید. کتاب قاموس پشتو جایزه اول مطبوعاتی را که در آنوقت به «جایزه آریانا» موسوم بود، نصیب افغانی نویسنده نمود.

لغات عامیانه فارسی:

منظور از لغات عامیانه، اصطلاحات مروج در میان مردم میباشد. اگر این لغات جمع آوری و در قید تحریر نیایند، به مرور زمان، شماری از آنها مورد استعمال قرار ننگرفته و فراموش میشوند. در زبان عامیانه ای امروز مردم افغانستان، لغات دست نخورده دری (اصیل) رایج و متداول است. اما از مکالمه و محاوره ایرانیان، این اصطلاحات شنیده نمی شود. طبعی است که در لغات عامیانه ای فارسی افغانستان، اصطلاحاتی از السنه ای دیگر باشندگان این سرزمین نیز رسوخ نموده است که منشاء و برخاست آن ها از هم متفاوت اند.

بناءً جمع آوری و تنظیم آن در قالب یک لغت نامه، کاری آسانی نبود. افغانی نویسنده در هر کجایی که اقامت گزیده و یا در هر گوشه و کناری که سفر کرده است، اصطلاحاتی را شنیده و آنرا یادداشت کرده است. حتی وقتی که زندانی بود، از زندانیان و زندان بانان اصطلاحاتی را می شنید که حین تدوین اثرش، آنها را از یاد نبرده و در زمره اصطلاحات عامیانه مندرج ساخته است.

او تمام گویش ها و لهجه های مروج در وطن ما را مورد مذاقه قرار داده و چگونگی بکار برد هر یک آنها را جستجو و معنی دقیق آنرا انتخاب نموده است. نحوه گویش و بیان اصطلاحات، ایجاب میکرد تا تمام لغات خطاطی شده و تاکیدات صوتی بر آن علاوه شود. این مأمول بوسیله ای ماشین تایپ برآورده شده نمیتوانست. بناءً متن آماده شده به یکی از خوش نویسان و ادیب شناخته شده کشور (مولانا خسته) محول شد تا آنرا قلمی نماید.

نگارش لغات عامیانه سهل و آسان نبوده و مانند کلمات ادبی در یک قالب معین تحریر نمی یابد. بطور مثال هر دو حرف «س» و یا «ص» در جهت نوشتن «نصوار» یا «نسوار» بکار گرفته میشود که از نظر ادبی حرف «س» درست میباشد. ولی در لغات عامیانه به «ص» تحریر یافته است.³

بخاطر ارزیابی و تثبیت نیاز به نشر این کتاب، ریاست مستقل مطبوعات، کمیونی را مرکب از ادبای شناخته شده ای کشور توظیف نمود تا نظرشان را برپیرامون چاپ کتاب ارائه بدارند. اعضای کمیون به این نظر توافق نمودند که اثر مذکور کتابی است مفید، مهم و جامع و در نسخ خود یکتا و ممتاز. بناءً کتاب باید طبع و با جایزه مطبوعاتی مورد تقدیر قرار گیرد.⁴

³ - افغانی نویسنده - لغات عامیانه فارسی - کابل، مطبعه دولتی - 1338 - ص 564

⁴ - اعضای کمیون عبارت بودند از: عبدالوهاب طرزی، محمد ابراهیم خلیل، دکتر جاوید، ضیاء قاری زاده، محمد حسن فهیمی و محمد حیدر ژوبل

در صفحات آغازین کتاب «لغات عامیانه فارسی» قضاوتها و برداشت های پیش کسوتان ادب و فرهنگ افغانستان در مورد اهمیت این کتاب و زحمات پربار مؤلف آن جا داده شده است. بی جا نخواهد بود اگر نقل قول های مختصر هر یک از آنها درین مقال جهت آگاهی خوانندگان گرانقدر تقدیم گردد.

شادروان افغانی نویسنده قبل از آنکه این اثر را بغرض نشر در اختیار ریاست مستقل مطبوعات بگذارد، آنرا به دانشمند عالی مقام و یکی از چهره های محبوب جنیش مشروطیت (میر سید قاسم خان) سپرده بود، تا نظر استادانه و قضاوت خود را در زمینه ارائه بدارد. او از زحمات افغانی نویسنده تمجید کرده و اقدام به نشر چنین یک مجموعه را ضرورت تأخیر ناپذیر دانست. افغانی نویسنده ازین شخصیت همیشه به مثابه الهام بخش و رهنمای خود، یاد میکرد.

دانشمند محترم عبدالهادی داوی که منحصی یک سیاستمدار و مشروطه خواه در نزد مردم افغانستان شهرت نیک و جایگاه خاصی دارد، در مورد کتاب اینطور مینویسد: «تالیف این کتاب، تشبثی است مفید و مبتکرانه و ذخیره ایست قیمتدار از لغات و تعبیرات لهجه فارسی افغانستان. این کتاب غالباً قدمی اولی است که در راه انذار لغات و تعبیرات تکلمی وطن برداشته است و مؤلف را در جمله پایونیرها [طراح و پیش گام] در آورده است.

استاد ادب ملک الشعراء عبدالحق بیتاب مینویسد: کتاب فرهنگ تکلمی و عامیانه، حقیقتاً اثریست بی سابقه که در اثر تتبع و استقرار بمدت مدیدی بوجود آمده و از تألیف گذشته به سرحد تصنیف رسیده بنابراین از حیث ارزش قابل جایزه درجه اول مطبوعاتی میباشد. این یک دکشنری با اسلوب تازه و جدید برای شایقین است.

استاد خلیل الله خلیلی اینطور مینگارد: چند ساعت مرور ازین اثر نفیس مرا بی اختیار بر آن آورد که مؤلف گرامی را در زحمتی که درین مجموعه بر خویش گرفته تهنیت گویم و این کار خجسته را نخستین عملی بشناسم که در این مورد در روزگار ما آغاز میشود. تتبع و سعی مؤلف در این طریق، مظهر دلچسپی و عشق وی به استقلال ادبی کشور ماست. لغاتی که درین کتاب گرد آورده شده تنها محاوره اعوام نیست بلکه در آن بعضی کلمات نیز دیده میشود که در آثار استادان و گویندگان باستانی این کشور موجود بوده و در مرور زمان نویسندگان متأخر آنرا از نبشته های خود افکنده و مردم در محاورات خویش آنرا نگهداشته اند. باید متذکر شد که کتاب لغات عامیانه فارسی هم، دریافت جایزه آریانا را نصیب مؤلف خود نموده است.

مقالات در روزنامه ها و جراید کشور:

از افغانی نویسنده مقالاتی زیادی در نشرات کشور به چاپ رسیده است. این مقالات به هر دو لسان پشتو و دری منتشر میشود. افغانی نویسنده در عهد شاه امان الله همکاری خود را با جراید آن زمان آغاز کرد. در جراید و روزنامه های سراج الاخبار، امان افغان، انیس و اصلاح آثار زیادی ازین بزرگمرد به نشر رسیده است.⁵ تعدادی ازین نوشته ها، مانند جمع آوری و معرفی «لندی» های پشتو از اهمیت فراوان برخوردار بوده و برای تحقیقات نویسندگان معاصر منبع با ارزشی می باشد.

یاد این قافله سالار و معرفی آثار ماندگار او، به رهروان فرهنگ ملی ما ضرور بود. با این یاد آوری ها در حقیقت ما از فرهنگ ملی خود پاسداری مینماییم.

اقوام روزگار به فرهنگ زنده اند قومی که گشت فاقد فرهنگ مردنیست

پایان

5 - دانشنامه ادب فارسی - جلد سوم - انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی - تهران، 1378 - ص 103